

روز پژوهش

موفقیت روزافزون علم در شناخت جهان هدفدار و قانونمند که با تکیه بر ابتکارات خلاقیت های به ودیعه نهاده شده از سوی خدای متعال در وجود بشر و بهره برداری از قدرت شگرف اندیشه آدمی صورت گرفته، فضای زندگی جدیدی را برای انسان ها به ارمغان آورده است.

موفقیت روزافزون علم در شناخت جهان هدفدار و قانونمند که با تکیه بر ابتکارات خلاقیت های به ودیعه نهاده شده از سوی خدای متعال در وجود بشر و بهره برداری از قدرت شگرف اندیشه آدمی صورت گرفته، فضای زندگی جدیدی را برای انسان ها به ارمغان آورده است. این فضای جدید و این تمدن نوظهور که خود برخاسته از تعاملات عمیق میان تمدنی و میان فرهنگی است، موجد خواست ها، نیازها، اندیشه ها مسائل و مشکلاتی است که به نوبه خود توسعه علم و اندیشه را می طلبند.

در این مسیر اندیشه های ژرف در قالب پژوهش های بنیادین صورت بحث پذیر به خود می گیرند و دستمایه انجام پژوهش های کاربردی می شوند تا خواست ها و نیازها را پاسخ گویند و راه حل های بهتر و بیشتری برای مسائل و مشکلات جوامع بشری پیشنهاد کنند و همین جاست که نقش موثر و سهم به سزای بخش تحقیقات در روند تحولات جوامع آشکار می شود.

تحولات زندگی بشر در قرن بیستم نشان از گسترش روزافزون اهمیت علم و تحقیق داشت، به ویژه در نیمه دوم این قرن کشورهای صنعتی و در حال توسعه با آگاهی از نقش پژوهش در خلق فن آوری و شتاب دهی برای توسعه، عمده توجه خود را مصروف تقویت و ارتقای بخش تحقیق نموده اند. از این روست که می توان گفت بین پیشرفت بخش تحقیق و شتاب توسعه فراگیر و پایدار در هر کشور ارتباط مستقیم برقرار است.

اکنون در ابتدای قرن بیست و یکم قرار داریم و باید خود را برای چالش های فراروی آماده کنیم. کشور ما در آستانه این قرن با مشکلات عظیم اقتصادی مواجه است، تورم، بیکاری، ترکیب جمعیتی جوان، وابستگی به درآمد نفت و نوسان در تصمیم گیری ها سیاست گذاری های مدیریتی تنها موارد اولیه فهرست این مشکلات عظیم اند. تجربه نشان داده است که یافتن راه حل های پایدار برای مشکلات عظیم اقتصادی مستلزم تعریف و ارائه الگو و مدل توسعه ملی سازگار با فرهنگ، تاریخ و خصوصیات نهادی در هویت هر ملت است. این مهم بدون انجام پژوهش های گسترده و مبتنی بر اصول علمی، و صرفاً با اهداف کاملاً کاربردی دست نیافتنی است. نقش پژوهش در توسعه همه جانبه پایدار چنان برجسته و انکارناپذیر است که می توان آن را بدون تردید نیروی محرک توسعه در همه حوزه ها اعم از فرهنگ، اقتصاد، سیاست و جامعه دانست. اما علی رغم اعتراف و اذعان نسبت به اهمیت مقوله پژوهش، این حوزه با دشواری های ساختاری و عملکردی فراوانی مواجه است. به طور عمده اهم مشکلات مقوله تحقیق در کشور عبارت اند از:

1- مسایل فرهنگی:

به جرات می توان گفت تحقیق در سطوح گوناگون کشور ما جزئی از فرهنگ نیست. نه در حوزه سیاست و اقتصاد و فرهنگ و جامعه و نه در سطح عامه مردم و خواص و مدیران و سیاستگذاران و تصمیم سازان و تصمیم گیران و مجریان، فرهنگ تحقیق وجود ندارد. این امر البته خود ناشی از دلایل متعددی است که مهم ترین آنها عدم احساس نیاز به تحقیق به دلیل وجود وابستگی و انحصارات و عدم وجود رقابت از بعد کیفیت و هزینه در همه حوزه ها و سطوح است.

نکته قابل توجه آنکه، علی رغم تعدد مسائل مبهم و ناشناس در کشور و علیرغم وجود مشکلات متعدد در زمینه های گوناگون اجتماع، پرسشها و سوال های تحقیقاتی مورد نیاز کشور هنوز بدرستی احصا و تبیین نشده اند و با این حال متاسفانه پژوهش های انجام گرفته و در حال انجام کشور بیشتر با تکیه بر فرم صورت می پذیرد تا تکیه بر محتوا و بیشتر هدف است تا ابزار.

2- مشکلات مالی :

از جمله سطح نازل سهم تحقیقات در تولید ناخالص ملی، سطح نازل سرمایه گذاری بخش خصوصی در فعالیت های تحقیقاتی و سطح نازل بهره برداری از ظرفیت های انسانی، مالی و فیزیکی تحقیقاتی.

3- ضعف مدیریت:

این مشکل گسسته بودن رابطه آموزش، تحقیقات و صنعت، حاکمیت قوانین دست و پاگیر اداری و مالی، ناکارایی در مدیریت علمی، عدم تمرکز در سیاستگذاری، تمرکز زدایی در اجرا، عدم توجه به اولویت ها و نیازهای تحقیقاتی، ضعف جامع نگر، ابتلا به روزمرگی، فقدان نگرش آینده نگر، فقدان نظام نظارت و ارزیابی بر روند توسعه تحقیقات در کشور و مسایلی از این دست تجلی می یابد.

4- ضعف ارتباطات:

که وجه مشخصه آن نامطلوب بودن ارتباطات میان بخش تحقیقات با اقتصاد، سیاست، فرهنگ و جامعه، ضعف ارتباط با دنیای پویای علم و فن آوری، ضعف مفرط پایگاه های اطلاعات و نظام اطلاع رسانی و مانند آن است.

5- ضعف نیروی انسانی:

که در آن می توان به کمبود تعداد محققان، تساهل و کم کاری در ابداع و تولید دانش و تحمل نکردن مشکلات برای نیل به نتیجه تحقیق، سطح نازل دانش روز در میان محققان و پژوهشگران، ضعف جایگاه معنوی و اجتماعی محققان و موارد مشابه اشاره کرد. (البته به این فهرست می توان موارد متعدد دیگری را نیز افزود.)

آنچه در روزگار ما در حکم کیمیاست، فرهیخته ای درد آشنا، رسانه شناس و متفکر است که از عبودیت نظریه ها و آرا و دیدگاه های مسلط غربی در حوزه رسانه، همزمان با شناخت کامل آنها رهیده باشد و عقلانیت جاری و ساری در فرهنگ و سنن و رسوم این ملت را به درستی بشناسد و دغدغه او حل مشکلات فرهنگی کشور و به ویژه ارتقای رسانه ها به جایگاه در خور باشد.